

بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با انگیزش پیشرفت دانش آموزان دختر

مقطع متوسطه دوم شهر دامغان

علیرضا مطلبی نژاد^{۱*}، فاطمه همتا^۲، حسین امانی^۳

۱. استادیار پردیس شهید رجایی دانشگاه فرهنگیان سمنان، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، دامغان، ایران.

۳. کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور استان سمنان، دامغان، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هفتم، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۷۵-۱۶۹

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با انگیزش پیشرفت دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر دامغان بود. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل دانش متوسطه دوم دختران شهر دامغان برابر با ۳۰۰۰ نفر می‌باشد. نمونه آماری بر اساس جدول مورگان ۳۴۱ می‌باشد که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۹۷) و پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمانس (۱۹۷۰) به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد بین متغیر فرزند پروری استبدادی و سهل‌گیرانه با انگیزه پیشرفت دانش آموزان همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد و بین متغیر فرزند پروری مقتدرانه با انگیزه پیشرفت دانش آموزان همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون گام‌به‌گام حاکی از آن است که نشان در گام اول والدگری مقتدرانه، در گام دوم والدگری سهل‌گیرانه و در گام سوم والدگری استبدادی وارد الگوی پیش‌بینی شده است که این سه سبک فرزندپروری توانسته ۵۷ درصد تغییرات انگیزه پیشرفت دانش آموزان را پیش‌بینی کرده است.

واژگان کلیدی: شیوه‌های فرزند پروری، مادران، انگیزش پیشرفت، دانش آموزان.

مقدمه

زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک یک‌رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. تقریباً همه افراد در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می‌شوند و استرس و تعارضی را که به دنبال می‌آید، می‌تواند به مشکلات رفتاری-عاطفی و یادگیری در آن‌ها بینجامد. اکثر مشکلات رفتاری دانش آموزان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر وجود مشکلات رفتاری کودک به‌منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی و شیوه‌های فرزند پروری نادرست والدین و تعاملات معیوب آن‌ها با فرزندان ارتباط دارد (کلدر^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

منظور از شیوه‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به‌کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزند پروری به‌واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۱). انگیزش یکی از ملزومات یادگیری به‌حساب می‌آید و چیزی است که به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ و تداوم آن به یادگیرنده کمک می‌کند. با این انگیزش افراد، تحرک لازم را برای به پایان رساندن موفقیت‌آمیز یک تکلیف، رسیدن به هدف، یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار خود دنبال می‌کنند تا بالاخره بتوانند موفقیت لازم را در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی کسب کنند (نیک‌سیرت و خادمی اشکذری، ۱۴۰۰). به‌طورکلی انگیزش، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به ارزیابی همه‌جانبه عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است سوق می‌دهد و با اثر گذاشتن بر انواع مختلف فعالیت‌های تحصیلی به تمایل فرد برای رسیدن به هدف‌های تحصیلی اشاره دارد. انگیزش تحصیلی باهدف‌های ویژه، نگرش‌ها و باورهای خاص، روش‌های نائل شدن به آن‌ها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است. تحقیقات مختلف بر متمایز بودن جهت‌گیری انگیزشی دانش آموزان در موقعیت‌های مختلف تأکید دارند (جمشیدی، ۱۳۹۹). در پژوهشی شارق بروجنی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که مادرانی که شیوه تربیتی آن‌ها دموکراتیک و آزاد گذاری است انگیزش پیشرفت فرزندان آن‌ها بیشتر است. باقری فاروجی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل ساختاری خود ناتوان‌سازی تحصیلی بر اساس سبک فرزند پروری ادراک‌شده و باورهای هوشی با میانجی‌گری جرات‌ورزی در دانش آموزان بر اساس داده‌های تجربی از برازش مطلوبی برخوردار است. همچنین اثر غیرمستقیم ادراک‌شده و باورهای هوشی بر خود ناتوان‌سازی تحصیلی دانش آموزان مورد تأیید قرار گرفت. ماشینیچی و زارعی (۱۳۹۹) نتایج پژوهش نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معنادار و سبک فرزندپروری مستبدانه با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی و معنادار دارد، اما سبک فرزندپروری سهل‌گیر با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌دار نداشت. حمیدی و انصاری (۱۳۹۵) در تأیید کردند میان سبک فرزندپروری مقتدرانه با بهزیستی و سرسختی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل

¹ - Kelder

رگرسیون نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه به‌طور مثبتی به‌زیستی و سخت رویی را پیش‌بینی می‌کند. داودی و صداقتی فرد (۱۴۰۰) دریافتند برخلاف شیوه‌های فرزندپروری سهل‌انگارانه و مستبدانه که اثرگذاری منفی بر احساس خودکارآمدی و عزت‌نفس کودکان دارند، سبک فرزند پروری مقتدرانه تأثیری مثبت در افزایش این دو متغیر دارد و لازم است در جامعه تقویت شود. پیری و رجبی (۱۳۹۷) گزارش کردند بین کارکرد خانواده و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین بین سبک فرزند پروری (اقتدار منطقی) و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معنادار و بین سبک فرزند پروری (مستبدانه و سهل‌گیر والدین) با عملکرد تحصیلی رابطه منفی معناداری وجود دارد. موکال و احمد^۱ (۲۰۲۳) نتایج کلی این مطالعه نشان می‌دهد که اکثر والدین از سبک فرزندپروری مستبدانه برای فرزندان نوجوان خود استفاده می‌کنند. به‌طور مشابه، آن‌ها نسبت به تحصیلات آکادمیک فرزندان خود بی‌توجهی می‌کنند، چیزی که مانع رشد تحصیلی فرزندان می‌شود. ژای^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه در بین ۵۷۶۵ نوجوان نشان داد که سبک فرزندپروری مستبد تأثیر منفی معناداری بر روی کنش‌های اجرایی کودکان داشت. در پژوهش دیگری سریسندانراجا^۳ و همکاران (۲۰۱۸) بر روی ۳۵۸ کودک در سن مدرسه نشان داد که کودکان از والدینی که مراقبت نسبتاً کمی از فرزندان خود ارائه کردند انعطاف‌پذیری شناختی کمتری داشتند. به‌طور دقیق‌تر، در یک نمونه ۷۴ کودکان مشاهده کردند شیوه‌های فرزندپروری مثبت مادر سطح بالاتری از کنش‌های اجرایی و انگیزش پیشرفت کودکان را به همراه داشت؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر چنین می‌باشد: آیا بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر دامغان رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر دامغان برابر با ۳۰۰۰ نفر می‌باشد. نمونه آماری بر اساس جدول مورگان ۳۴۱ نفر می‌باشد که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۹۷) و پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمانس (۱۹۷۰) به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد.

پرسشنامه انگیزه پیشرفت توسط هرمانس (۱۹۷۰) تهیه شد و پس از تحلیل خوشه‌ای به‌صورت ۲۹ جمله ناقص و تکمیل‌کردنی درآمد. هرمانس (۱۹۷۰) ضرایب همبستگی هر ماده را با نمره کل انگیزه پیشرفت محاسبه کرد و آزمون را دارای اعتبار دانست. ضرایب همبستگی در دامنه‌ای بین ۰/۳۰ الی ۰/۵۷ بود.

از آنجاکه هرمنس سؤالات این پرسشنامه را بر اساس پژوهش‌های قبلی درباره انگیزه پیشرفت نوشته است درنهایت ضریب همبستگی، هر سؤال را با رفتارهای پیشرفت محاسبه می‌کند که در دامنه‌ای از ۵۷٪ تا ۳۰٪ است. از این نظر آزمون دارای اعتبار است. شیخ فیضی، (۱۳۷۳) ضریب پایایی این آزمون را از طریق آلفای کرونباخ ۸۴٪ به دست آورده و بازآزمایی آن را ۸۲٪

¹ - Mokal & Ahmad

² - Zhai

³ - Sriskandarajah

گزارش کرده است. پایایی این پرسشنامه به صورت کلی با استفاده از آلفای کرونباخ و با ۲۹ سؤال ۰/۸۲ است که ضریب خوب و نسبتاً بالایی می‌باشد و حاکی از آن است که ابزار مذکور از ثبات و پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد. این مقیاس در ایران مورد استفاده پژوهشگران متعددی قرار گرفته است. طالب پور و همکاران (۱۳۸۱) ضریب آلفا را برای ۲۹ ماده برابر با ۰/۷۴ گزارش کردند

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دایان بامریند (۱۹۷۳): اولین ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دایان بامریند است. دایانا بامریند از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۹۷۳ مجموعه بررسی‌هایی را انجام داد که طی آن الگوهایی از شیوه‌های فرزندپروری والدین مشخص گردید؛ و در این زمینه، پرسشنامه‌ای را طراحی کرد که به نام خود او معروف شد. در این پرسشنامه ۳۰ جمله‌ای، ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه، ۱۰ جمله دیگر آن به شیوه مقتدرانه اختصاص دارد. در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عناوین کاملاً مخالفم، مخالفم، مرددم، موافقم و کاملاً موافقم در نظر گرفته شده است که به ترتیب از ۴-۰ نمره‌گذاری می‌شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون متناسب با داده‌ها همچون آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون با نرم‌افزار SPSS ۲۰ استفاده گردید.

یافته‌ها

جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. بررسی آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نرمال پذیری

متغیر	کلموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری
استبدادی	۰/۸۵	۰/۱۵
سهل‌گیرانه	۱/۱۸	۰/۱۱
مقتدرانه	۰/۳۶	۰/۸۹
انگیزه پیشرفت	۰/۷۰	۰/۱۸

مطابق جدول ۱ توزیع داده‌ها در والدگری ذهن آگاهانه، سهل‌گیرانه، مقتدرانه و انگیزه پیشرفت در سطح ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد ($p \geq 0/05$). لذا به لحاظ آماری می‌توان گفت که داده‌ها متقارن هستند و دارای توزیع نرمال می‌باشند پس برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین شیوه های فرزند پروری با انگیزه پیشرفت

انگیزه پیشرفت	متغیرهای پژوهش	
***-۰/۵۳	ضریب همبستگی	استبدادی
۰/۰۰۱	سطح معنی داری	
۳۷۷	تعداد	
***-۰/۳۰	ضریب همبستگی	سهل گیرانه
۰/۰۰۱	سطح معنی داری	
۳۷۷	تعداد	
***۰/۸۱	ضریب همبستگی	مقتدرانه
۰/۰۰۱	سطح معنی داری	
۳۷۷	تعداد	
*** معناداری در سطح ۹۹ درصد		

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که بر اساس نتایج آزمون همبستگی دو متغیر فرزند پروری استبدادی و انگیزه پیشرفت دانش آموزان برابر $۰/۵۳۱-$ و سهل گیرانه برابر $۰/۳۰-$ می باشد. با توجه به اینکه ضریب منفی بین فرزند پروری استبدادی و سهل گیرانه انگیزه پیشرفت وجود دارد بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین متغیر فرزند پروری استبدادی و سهل گیرانه با انگیزه پیشرفت دانش آموزان همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج آزمون همبستگی متغیر فرزند پروری مقتدرانه و انگیزه پیشرفت برابر $۰/۸۱$ می باشد. با توجه به اینکه ضریب مثبت بین فرزند پروری مقتدرانه با انگیزه پیشرفت وجود دارد بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین متغیر فرزند پروری مقتدرانه با انگیزه پیشرفت دانش آموزان همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۳. خلاصه رگرسیون پیش بینی انگیزه پیشرفت دانش آموزان توسط سبک های فرزند پروری

گام	متغیر	R	R ² تعدیل شده	F تغییر	B استاندارد	Sig
۱	مقتدرانه	۰/۷۰	۰/۴۸	۱۴۵/۸۸	۰/۷۰	۰/۰۰۱
۲	سهل گیرانه	۰/۷۳	۰/۵۴	۱۳۱/۵۴	۰/۴۴ -۰/۲۵	۰/۰۲
۳	استبدادی	۰/۷۵	۰/۵۷	۱۰۱/۴۰	۰/۳۶ -۰/۲۲ -۰/۱۶	۰/۰۳

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می دهد، در گام اول والدگری مقتدرانه وارد الگو شده است این متغیر ۴۸ درصد تغییرات انگیزه پیشرفت دانش آموزان را پیش بینی کند. این ضریب با توجه به مقدار ($F=145/88$) در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. در گام دوم والدگری سهل گیرانه وارد الگوی پیش بینی شده است و این دو متغیر باهم توانسته اند ۵۴ درصد تغییرات انگیزه پیشرفت دانش آموزان را پیش بینی کنند؛ یعنی متغیر والدگری سهل گیرانه ۶ درصد تغییرات انگیزه پیشرفت دانش آموزان را پیش بینی کرده است. این ضریب با توجه به مقدار ($F=131/54$) در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. در گام سوم والدگری استبدادی وارد الگوی پیش بینی شده است و والدگری استبدادی ۵۷ درصد تغییرات انگیزه پیشرفت دانش آموزان را پیش بینی کرده است؛ یعنی متغیر والدگری استبدادی به ۳ درصد تغییرات انگیزه پیشرفت دانش آموزان را پیش بینی کرده است. این ضریب با توجه به مقدار ($F=101/40$) در سطح ۹۵ درصد معنی دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با انگیزش پیشرفت دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر دامغان بود. نتایج نشان داد بین متغیر فرزند پروری استبدادی و سهل گیرانه با انگیزه پیشرفت دانش آموزان همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد و بین متغیر فرزند پروری مقتدرانه با انگیزه پیشرفت دانش آموزان همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون گام‌به‌گام حاکی از آن است که نشان در گام اول والدگری مقتدرانه، در گام دوم والدگری سهل گیرانه و در گام سوم والدگری استبدادی وارد الگوی پیش‌بینی شده است که این سه سبک فرزندپروری توانسته ۵۷ درصد تغییرات انگیزه پیشرفت دانش آموزان را پیش‌بینی کرده است.

این نتایج با یافته‌های شارق بروجنی و همکاران (۱۴۰۰) و باقری فاروجی و همکاران (۱۴۰۰)، ماشینیچی و زارعی (۱۳۹۹)، حمیدی و انصاری (۱۳۹۵)، داودی و صدقاتی فرد (۱۴۰۰)، پیری و رجیبی (۱۳۹۷)، موکال و احمد^۱ (۲۰۲۳)، زای^۲ و همکاران (۲۰۱۵) و سریسندانراجا^۳ و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود والدین مقتدر قوانینی دارند و از عواقبش استفاده می‌کنند، اما نظرات فرزندان خودشان را هم در نظر می‌گیرند. آن‌ها احساسات فرزندان را تأیید می‌کنند و درعین حال روشن می‌کنند که در نهایت، بزرگسالان مسئول هستند. والدین مقتدر زمان و انرژی خودشان را صرف پیشگیری از مشکلات رفتاری می‌کنند. آن‌ها همچنین از استراتژی‌های انضباطی مثبت برای تقویت رفتار مثبت مانند سیستم‌های تشویقی و پاداش استفاده می‌کنند. دانش‌آموزانی که والدین مقتدری دارند، به احتمال زیاد به بزرگسالانی مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شوند که به راحتی احساساتشان را بیان می‌کنند. دانش‌آموزانی که بانظم و انضباط مقتدرانه بزرگ می‌شوند، معمولاً شاد و موفق هستند. همچنین به احتمال زیاد حتی به تنهایی هم در تصمیم‌گیری تحصیلی موفق هستند و این موفقیت افزایش انگیزه پیشرفت را به همراه دارد همچنین والدین سهل‌گیر معمولاً بیشتر از نقش والد، نقش دوست را بر عهده می‌گیرند. آن‌ها اغلب فرزندان خود را تشویق می‌کنند تا در مورد مشکلاتشان با آن‌ها صحبت کنند، اما معمولاً تلاش زیادی برای منصرف کردنشان از انتخاب‌های ضعیف یا رفتار بد انجام نمی‌دهند. دانش‌آموزانی که با والدینی سهل‌گیر بزرگ می‌شوند، بیشتر از نظر تحصیلی دچار مشکل می‌شوند. شاید این کودکان مشکلات رفتاری بیشتری نشان دهند زیرا ارزش قدرت و قوانین را نمی‌دانند. آن‌ها انگیزه پیشرفت پایینی دارند.

منابع

- باقری فاروجی، محترم؛ شریعت باقری، محمدمهدی؛ دوقی، لیلا (۱۴۰۰). مدل ساختاری خود ناتوان‌سازی تحصیلی بر اساس سبک فرزند پروری ادراک‌شده و باورهای هوشی با میانجی‌گری جرات ورزی در دانش‌آموزان، روانشناسی تربیتی، ۶۲، ۵۷ - ۸۰.
- پیری، ولی؛ رجیبی، مهتری (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین کارکرد خانواده، سبک‌های فرزند پروری والدین و جو عاطفی خانواده با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان دره شهرستان ایلام، روانشناسی و علوم رفتاری ایران، ۱۳، ۶۲-۵۵.
- جمشیدی، سید اکبر. (۱۳۹۹). مقایسه سبک‌های فرزندپروری و سازمان شخصیت در والدین کودکان تیزهوش و عادی پایه ششم شهر ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور واحد سنجند

¹ - Mokal & Ahmad

² - Zhai

³ - Sriskandarajah

- حمیدی، فریده؛ انصاری، شهلا (۱۳۹۵). رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روان‌شناختی دانش آموزان، خانواده و پژوهش، ۳۲، ۴۷ - ۶۵.
- داودی، ماهرخ؛ صداقتی فرد، مجتبی (۱۴۰۰). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با عزت‌نفس و احساس خودکارآمدی کودکان، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران). ۷، ۶۵۶-۶۶۹.
- شارق بروجنی، سهیل؛ کارگر، لیلا؛ عباسپور، هاشم؛ امیرحسینی، معصومه؛ نژاد کهنوجی، مصطفی (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با انگیزش پیشرفت دانش آموزان، پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۸، ۳۳۹۵ - ۳۴۱۹.
- ماشینی، علی‌اصغر؛ نوزارعی، تاج‌الدین (۱۳۹۹). رابطه ی بین شیوه‌ی فرزند پروری والدین با عملکرد تحصیلی فرزندان دختر و پسر آن‌ها در مقطع ابتدایی پایه‌ی دوم شهرستان عسلویه در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، ۴۰، ۱۳۱ - ۱۴۴.
- نیک‌سیرت، فرشته؛ خادمی اشکذری، ملوک (۱۴۰۰). مقایسه‌ی انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر مقاطع مختلف شهر تهران، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲۹، ۶۰ - ۵۱.
- Kelder, R. O., van den Akker, A. L., Ensink, J. B. M., Geurts, H. M., Overbeek, G., de Rooij, S. R., Vrijkotte, T. G. M., & Lindauer, R. J. L. (2021). Longitudinal associations between trauma exposure and executive functions in children: Findings from a Dutch birth cohort study. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 50(3), 295-308. <https://doi.org/10.1007/s10802-021-00847-4>
- Mokal, M. N., & Ahmad, Z. (2023). The impact of positive parenting practices on children's education and behavioral change. *International Journal of Modern Languages and Applied Linguistics (IJMAL)*, 7(3), 65-80.
- Sriskandarajah, V., Neuner, F., & Catani, C. (2015). Parental care protects traumatized Sri Lankan children from internalizing behavior problems. *BMC Psychiatry*, 15(1), 1-11.
- Zhai, Y., Liu, K., Zhang, L., Gao, H., Chen, Z., Du, S., et al. (2015). The relationship between post-traumatic symptoms, parenting style, and resilience among adolescents in Liaoning, China: A cross-sectional study. *PLoS ONE*, 10(10), 1-15.